

## گروه اسمی و وابسته‌های آن در زبان فارسی جلال رحیمیان<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۲/۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۸/۸

### چکیده

گروه‌های اسمی فارسی همراه با جزییات، از سوی زبان‌شناسان فراوانی در چارچوب‌های گوناگونی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. اما، هنوز ابعاد دیگری از این مقوله نحوی از جمله وابسته‌های درونی و وابسته‌های بیرونی، و جایگاه هر کدام از وابسته‌های مزبور نسبت به هسته، و همچنین تمایز میان وابسته‌های مستقیم و غیرمستقیم هسته در گروه اسمی نیازمند بررسی است. علاوه بر موارد بیان شده، انعطاف‌پذیری برخی از وابسته‌ها به لحاظ جایگاهشان نسبت به هسته گروه اسمی، تکرارپذیری و عدم تکرارپذیری وابسته‌ها از دیگر مباحثی است که در پژوهش حاضر مورد کنکاش قرار گرفته است. در مطالعه حاضر پس از ارایه تقسیم‌بندی کلاسیک وابسته‌های هسته به دو نوع پیش‌رو و پی‌رو، وابسته‌ها س از دو زاویه‌ی متفاوت دیگر نیز به نمایش گذاشته شده‌اند: نخست، وابسته‌های مستقیم در برابر وابسته‌های غیرمستقیم؛ و سپس وابسته‌های درونی در برابر بیرونی. وابسته‌های مستقیم، بی‌واسطه در ساختمان گروه اسمی با هسته مرتبط بودند، اما وابسته‌های غیر مستقیم از طریق وابسته‌های مستقیم با هسته مرتبط می‌شدند.

<sup>۱</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی، استاد بخش زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشکده ادبیات و علوم

انسانی، دانشگاه شیراز، نویسندهٔ مسئول [jarahimian@rose.shirazu.ac.ir](mailto:jarahimian@rose.shirazu.ac.ir)

**واژه‌های کلیدی:** هسته، وابسته‌های درونی، وابسته‌های بیرونی، وابسته‌های مستقیم، وابسته‌های غیرمستقیم، انعطاف پذیری، تکرارپذیری.

## ۱- مقدمه و هدف تحقیق

تحلیل‌های متعددی از گروه اسمی فارسی ارائه شده است که از معروف‌ترین آنها می‌توان به حسینیان (1989، Hasanian)، شریعت (1988، Shariiat)، باطنی (1969، Bateni)، غلامعلی‌زاده (1995، Gholam Ali Zadeh)، مشکوٰه‌الدینی (2000، Meshkatdini)، ژلیبر لازار (1957، Lazard) و طیب‌زاده (2012، Tabibzade) اشاره کرد. اگرچه در هر یک از آثار مذکور تلاش شده است ابعاد مختلف گروه‌های اسمی توصیف و تبیین شوند، اما به هرحال، با نگرش مختصری به پژوهش‌های موجود، می‌توان گفت که هنوز ابعادی از گروه اسمی فارسی بررسی و تحلیل تازه‌ای را می‌طلبد. بر اساس مطالب بیان شده، جستار حاضر در پی پاسخ به سوالات زیر است:

۱- بازنمایی وابسته‌های هسته در گروه‌های اسمی زبان فارسی به چه صورت است؟

۲- تکرارپذیری در وابسته‌های هسته در گروه‌های اسمی چگونه تجلی می‌یابد؟

هدف از پژوهش حاضر، معرفی وابسته‌های بیرونی در گروه اسمی و متمایز ساختن آنها از وابسته‌های درونی، و همچنین ایجاد تمایز میان وابسته‌های مستقیم و غیرمستقیم است. جزییاتی در باب انعطاف پذیری برخی از وابسته‌ها بر حسب جایگاه آنها نسبت به هسته‌ی گروه اسمی نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت. در نهایت، تکرارپذیری برخی از وابسته‌ها با جزییات لازم مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت. در جهت پاسخ به پرسش‌های مذکور در بخش‌های متعاقب نخست (بخش ۲) به مرور مطالعات پیشین در مورد گروه اسمی در زبان فارسی اختصاص دارد. در ادامه (بخش ۳) به بیان مفاهیم اصلی رویکرد نظری خواهیم پرداخت، بخش (۴) تجزیه و تحلیل داده‌های زبان فارسی ارائه خواهد شد و در نهایت، بخش (۵) نتایج یافته‌ها مطرح خواهند شد.

گفتنی است در پژوهش حاضر جهت بررسی داده‌ها از روش توصیفی-تحلیلی بهره خواهیم برد. داده‌های پژوهش نیز عمدتاً بر اساس شم زبانی نویسنده و تأیید دیگر گویشوران تهیه شده‌اند.

## ۲- پیشنهاد تحقیق

گروه اسمی و متعلقات آن در زبان فارسی و همچنین در زبان انگلیسی بطور گسترده از سوی زبان‌شناسان و دستورنویسان معتابھی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. شماری از آثار در این زمینه عبارتند از: باطنی (Batani, 1969)، رحیمیان (Rahimian, 1995; 2002; 2008)، وحیدیان کامیار و عمرانی (Vahidian Kamyar & Omrani, 2000)، رحیمیان (Rahimian, 2000)، افراشی (Afrashi, 2007)، رحیمیان و حاجیانی (Rahimian & Hajiani, 2009)، طیب‌زاده (Tabibzadeh, 2012)، شوارتز (Schwarz, 2012)، آرتس (Aarts, 2013)، تاروپردی نسب و همکاران (Tarvirdi Nasab & et al, 2016)، حسینی معصوم و مهدوی (Hosseini Maasum & Mahdavi, 2016)، حیدری (Heidari, 2016)، رحیمیان و مولودی (Rahimian & Moloodi, 2016)، موسوی و گذشتی (Musavi & Gozashti, 2017)، رحیمیان و جباری (Rahimian & Jabbari, 2018) و یزدانی (Yazdani, 2019).

از میان منابعی که ذکر شد، بطور مشخص به مقایسه و تحلیل گروه اسمی فارسی از منظر باطنی (Batani, 1969) مشکوه‌الدینی (Meshkatdini, 2000) و طیب‌زاده (Tabibzadeh, 2012) می‌پردازیم. باطنی (Batani, 1969, p. 139)، وابسته‌های مقدم بر هسته را به چهار دسته تقسیم می‌کند که هر دسته جزییاتی دارد. نزدیکترین وابسته به هسته را با شماره ۱ و دورترین وابسته را با شماره ۴ نشان می‌دهد:

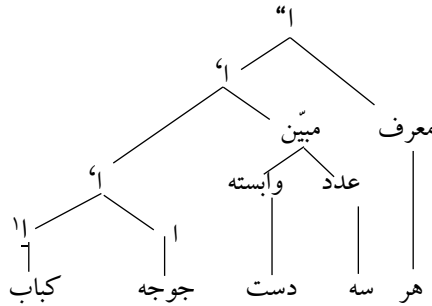
-۱

ش ۴	ش ۳	ش ۲	ش ۱	هسته
هر	سه	دست	جوجه	کباب

وابسته‌ی پیش‌رو شماره ۴، تنها هفت عضو دارد که عبارتند از «این، آن، همین، همان، هر، چه، کدام». وابسته پیش‌رو شماره ۳، شامل اعداد و همچنین واژه «چند» است. وابسته پیش‌رو شماره ۲ شامل چهار نوع از واژه‌هاست که باطنی (Bateni, 1969) آنها را «معدود، صفات عالی، اعداد وصفی، و یک طبقه ۱۴ عضوی» می‌نامد. آنچه باطنی (Bateni, 1969) به عنوان وابسته پیش‌رو شماره ۱ معرفی می‌کند در حقیقت عضوی از واژه‌های دوتایی است که بطور سنتی واژه‌های مرکب نامیده می‌شوند. وابسته پیش‌رو شماره ۱، در واقع، عضو نخست واژه‌ی مرکبی است که همانگونه که باطنی (Bateni, 1969) اذعان می‌کند، همراه با هسته به یک مفهوم یگانه دلالت دارند.

باطنی (Bateni, 1969) وابسته‌های فوق را به گونه‌ای توصیف می‌کند که مخاطب ناخودآگاه چنین تصور می‌کند که رابطه میان وابسته‌های چهارگانه فوق رابطه‌ای خطی و هم‌سطح است که بطور موازی به هسته مرتبط می‌شوند. اما راقم سطور معتقد است ارتباط صحیح و منطبق با واقع اجزای گروه اسمی «هر سه دست جوجه کباب» به این شرح زیر است: واژه‌ی «دست» وابسته‌ی «سه» است و بنابراین، «سه» بخشی از یک سازه‌ی بزرگتر به نام «سه دست» محسوب می‌شود. «جوجه» نیز وابسته‌ی «کباب» و بنابراین بخشی از سازه‌ی «جوجه کباب» است. در گام بعد، سازه‌ی «سه دست»، در سطحی بالاتر در نقش توصیفگر «جوجه کباب» ظاهر می‌شود. در نهایت، «هر» در نقش توصیفگر کل سازه‌ی «سه دست جوجه کباب» عمل می‌کند. روابط ساختی میان اجزای گروه اسمی «هر سه دست جوجه کباب» در نمودار زیر قابل مشاهده است. بر خلاف نمودار فوق، سازه‌های موجود در نمودار زیر هر کدام یک سازه محسوب می‌شود<sup>۱</sup>:

<sup>۱</sup> در این تحقیق، برای نامگذاری گروه‌ها از اصطلاحات بکار رفته توسط رحیمیان (۱۳۸۷)، که تحلیلی بر پایه‌ی ایکس تیره است، استفاده شده است.



نگاره ۱: گروه اسمی حاوی هسته، معرف، مبین و اسم‌واره

باطنی (Bateni, 1969, p. 146)، وابسته‌های پس از هسته را به پنج دسته تقسیم می‌کند. نزدیکترین وابسته به هسته را با شماره ۱ و دورترین وابسته را با شماره ۴ نشان می‌دهد:

-۳

هسته	۱ ر	۲ ر	۳ ر	۴ ر	۵ ر
بوف	کور	معروف	هدایت	را	که به چند زبان ترجمه شده است

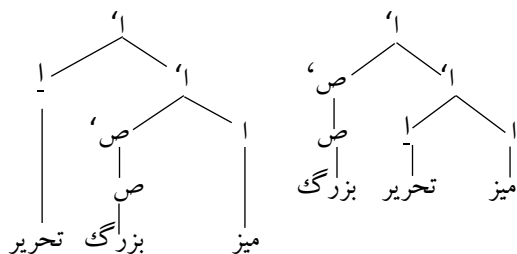
باطنی (Bateni, 1969) می‌نویسد که وابسته پی‌رو شماره ۱ معمولاً از نوع اسم است در حالی که در موارد فراوانی از جمله مثال‌های ارائه شده از سوی ایشان علاوه بر اسم، صفت نیز بکار می‌رود. وی همچنین ادعا دارد که میان هسته و وابسته پی‌رو شماره ۱ شکاف بردار نیست، در حالی که موارد نقض این ادعا فراوان است. برای مثال، می‌توان «رییس جمهور» را به «رییس محترم جمهور» تبدیل کرد.

باطنی (Bateni, 1969) وابسته شماره ۲ را متعلق به طبقه صفت می‌داند هرچند ادعا دارد که صفت نه یک اصطلاح ساختمانی بلکه یک اصطلاح معنایی است. اگر چه وی به این امکان که وابسته پی‌رو شماره ۱ و ۲ ظرفیت جایجایی دارند اشاره‌ای نکرده است اما داده‌ها نشان می‌دهند که چنین امکانی در عمل وجود دارد. برای مثال، در دو عبارت «میز تحریر بزرگ» و «میز بزرگ تحریر»، وابسته‌های شماره یک و دو جایجا شده‌اند در حالی که هیچ تفاوتی در محتوای معنایی عبارت ایجاد نشده است:

<sup>۱</sup> از این نشانه ۱ برای نشان دادن اسم‌واره که ماهیتاً با هسته‌ی گروه اسمی متفاوت است استفاده می‌شود.

۴- الف

ب.



نگاره ۲: دو نوع رابطه ساختمانی وابسته‌ها نسبت به هسته

وابسته پی‌رو شماره ۳، یک ضمیر شخصی، گروه اسمی یا یای نکره است. وابسته پی‌رو شماره ۴، شامل نشانه‌ی متمم یعنی «را» است و در صورتی اشغال می‌شود که گروه اسمی مورد نظر در جایگاه مفعولی ظاهر شود. باطنی (Bateni, 1969) آخرین وابسته پی‌رو را «جمله، بند یا گروه قیدی واژگونه مرتبه» می‌داند. اما از آنجا که گروه قیدی و بند دو مقوله‌ی متفاوت هستند، لازم است به عنوان دو وابسته‌ی متفاوت، در دو جایگاه متفاوت در گروه اسمی ظاهر شوند. از دیگر نکات قابل ذکر در باب تحلیل گروه اسمی توسط باطنی (Bateni, 1969) می‌توان به این نکته اشاره داشت که در زنجیره وابسته‌های هسته در گروه اسمی، هیچگاه تمامی جایگاه‌های پیش‌رو و پی‌رو همزمان اشغال نمی‌شوند. در حقیقت، همواره یا جایگاه وابسته پیش‌رو شماره ۱ یا جایگاه پی‌رو شماره ۱ خالی است، و این بدین معناست که یک جایگاه همواره بی‌استفاده می‌ماند. در پژوهش حاضر نشان داده خواهد شد که با مطرح کردن اسم‌های مرکب برای قرار گرفتن در جایگاه هسته، در عمل نیازی به جایگاه وابسته پیش‌رو شماره ۱ نخواهد بود.

از دیگر تحلیل‌های مطرح در باب گروه اسمی می‌توان به مشکوه الدینی (Meshkatdini, 2000) اشاره کرد. تحلیل ایشان از جنبه‌هایی با تحلیل باطنی (Bateni, 1969)، تفاوت‌هایی دارد. وی سه دسته‌ی از وابسته‌های پیشین را تحت چهار عنوان کلی معین می‌کند. وابسته‌های پیشین ۳، شامل وابسته‌های اشاره، پرسشی، تعجبی و نامشخص است. وابسته‌های پیشین شماره ۲ مشکوه الدینی (Meshkatdini, 2000) در حقیقت ترکیبی از وابسته‌های پیش‌رو شماره ۳ و ۲ باطنی (Bateni, 1969) است. مشکوه الدینی

(Meshkatdini, 2000) وابسته‌های پیش‌رو شماره ۲ باطنی (Bateni, 1969) را وابسته‌ی اعداد می‌داند، این نگرش قابلیت تبیین‌پذیری بیشتری نسبت به نگاه باطنی (Bateni, 1969) دارد.

طیب‌زاده (Tabibzadeh, 2012) نیز در چارچوب نظریه گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی، به تحلیل گروه اسمی پرداخته است. طیب‌زاده (Tabibzadeh, 2012, p. 197-) 264 چنین می‌گوید که «هر اسمی در مقام هسته‌ی یک گروه اسمی ممکن است خود نیز وابسته‌هایی بگیرد». وی وابسته‌های اسم را به دو دسته کلی متمم‌های اختیاری و اجباری؛ و افزوده‌های عام و خاص تقسیم می‌کند. در مثال زیر، «علی» و «کتاب» متمم‌های اجباری، «به من» متمم اختیاری، «دیروز» افزوده عام، و «با میل» افزوده خاص هستند:

۵- علی، دیروز کتاب را با میل به من تحویل داد

طیب‌زاده (۶۲) همچنین از قیده‌های استثنایی سخنی می‌گوید و آنها را قیودی می‌داند که گروه‌های اسمی را مقید می‌کنند. در مثال زیر، «فقط» مصداقی از قیده‌های استثنایی است:

۶- فقط علی، پسر مرجان درس می‌خواند.

طیب‌زاده (Tabibzadeh, 2012, p. 211) پنج وابسته را تحت عنوان پنج موقعیت به عنوان وابسته‌های پیشین اسم معرفی می‌کند. دو نمونه از وابسته‌های موقعیت اول برای ایشان، «همه‌ی» و «برخی از» است. اما هیچکدام از این دو حائز شرایط لازم برای وابسته بودن نیستند؛ «همه‌ی» به جهت همراه شدن با کسره اضافه اجباری خود هسته محسوب می‌شود کما اینکه باطنی (Bateni, 1969)، که طیب‌زاده (Tabibzadeh, 2012, p. 210) نیز مخاطب را به ایشان ارجاع می‌دهد، معتقد است نخستین کلمه‌ای که کسره اضافه می‌پذیرد هسته است. وابسته بعدی یعنی «برخی از» در هیچ چارچوب نظری یک سازه محسوب نمی‌شود زیرا این دو عنصر ربطی به یکدیگر ندارند بلکه هر کدام سازه‌ای متفاوت هستند. در واقع، تمام حرف‌اضافه‌های که ایشان در موقعیت نخست معرفی کرده است، هیچکدام سنخیتی با واژه همراه خود ندارند و بنابراین حائز جایگاهی در زنجیره‌ی وابسته‌های پیشین نیستند. به علاوه، برخی از وابسته‌های موقعیت سوم از قبیل «برخی، بسیاری، همه» و امثال

آنها در میان وابسته‌های موقعیت نخست تکرار شده‌اند که ظاهراً توجیهی و رای آن نیست. آنچه ایشان تحت عنوان وابسته‌های موقعیت چهارم می‌آورند، همان وابسته پیش‌رو شماره ۲ باطنی (Bateni, 1969, p. 139) هستند. در نهایت، طیب‌زاده (Tabibzadeh, 2012) موقعیت پنجم را متشکل از شاخص‌ها و صفات بیانی می‌داند. ذکر دو نکته در باب وابسته‌های موقعیت پنجم ضروری است. نخست، از مثال‌های طبیعت زاده برای صفات بیانی چنین برمی‌آید که این صفات صورت‌های قلب شده هسته و وابسته‌ی پی‌رو است. برای مثال، ایشان از «رشید مردان، دلاور مرد» استفاده می‌کند که صورت‌های قلب شده مردان رشید و مرد دلاور هستند که در گفتار روزمره بسامد قابل توجیهی ندارند. نکته دوم این که برخی از شاخص‌ها از جمله «آقا» با کسره اضافه ظاهر می‌شود و بنابراین خود هسته محسوب می‌شود؛ به علاوه بسیاری از به اصطلاح شاخص‌ها خود وابسته می‌پذیرند که در این صورت هسته محسوب خواهند شد و نه وابسته؛ برای مثال: سرهنگ که از نظر طیب‌زاده (Tabibzadeh, 2012) یک شاخص برای خلعتبری به حساب آمده است، در عبارت «سرهنگ پیاده ستاد خلعتبری»، خود وابسته‌ای به نام «پیاده ستاد» پذیرفته که در این صورت نمی‌توان آن را شاخص نامید. همچنین، از نظر طیب‌زاده (Tabibzadeh, 2012, p. 213, 228) در عبارت «حضرت آیت‌الله العظمی دکتر حاج سید محمد احمدی» به جز «احمدی» که هسته است، مابقی واژه‌ها همگی شاخص به حساب آمده‌اند در حالی که «حضرت» و «محمد» هر دو، کسره‌ی اضافه‌ی اجباری پذیرفته‌اند و بنابراین بر خلاف نظر طیب‌زاده (Tabibzadeh, 2012) خود هسته محسوب می‌شوند. به هر حال، کنار گذاشتن ملاک کسره‌ی اضافه برای تشخیص هسته، اعتبار تحلیل گروه اسمی را بطور جدی زیر سؤال خواهد برد و سازمان گروه اسمی را دستخوش نوعی بی‌نظمی بی‌سابقه در توصیف گروه اسمی خواهد ساخت.



### ۳- چارچوب نظری

مبنای نظری پژوهش حاضر را آراء و نظرات پین و هادلستون (Payne & Huddleston, 2002) شکل می‌دهد، به همین جهت در بخش حاضر تلاش می‌شود رویکرد نظری آن به تجزیه و تحلیل اسم و گروه‌های اسمی توصیف شود (در بخش حاضر تمامی ساخت‌های مورد نظر به صورت خط‌کشی معین شده است).

اساس رویکرد پین و هادلستون (Payne & Huddleston, 2002) به مطالعه اسم و گروه‌های اسمی بر توجه هم‌زمان به دو مولفه نقش<sup>۱</sup> و ساختار<sup>۲</sup> است. منظور از مولفه نخست، نقشی است که گروه‌های اسمی به عنوان متمم در ساختار بند ایفا می‌کنند. نقش فاعلی (معلم رسید)، نقش مفعولی حرف‌اضافه‌ای (ما به یک معلم نیاز داریم)، متمم محمولی<sup>۳</sup> (او معلم است). به جهت ساختاری نیز گروه‌های اسمی عمدتاً متشکل از یک اسم به عنوان هسته هستند یا آن‌که با وابسته‌هایی همراه می‌شوند.

پین و هادلستون (Payne & Huddleston, 2002) در مطالعه خود پیرامون اسم به بیان انواع ویژگی‌های آن از قبیل تصریف، نقش، وابسته‌های اسمی و غیره می‌پردازند. آن‌ها گروه اسمی را ساختی می‌دانند که شامل یک اسم به عنوان هسته است (به تنهایی)، یا آن‌که با یک یا چند وابسته همراه می‌شود. آن‌چه که در جستار حاضر اهمیت دارد و در واقع رویکرد نظری پژوهش حاضر قرار می‌گیرد، وابسته‌های هسته در گروه اسمی است. برخی وابسته‌ها پیش از هسته جای می‌گیرند و به این اعتبار، «وابسته‌های پیش‌رو»<sup>۴</sup>، و برخی پس از هسته و پی‌رو آن قرار می‌گیرند و «وابسته‌های پی‌رو»<sup>۵</sup> نامیده می‌شوند. در این حین، باید میان آن‌چه اسم و اسم‌واره<sup>۶</sup> نامیده می‌شود تمایز قائل شد. اسم‌واره‌ها مقوله‌هایی هستند که

<sup>1</sup> function

<sup>2</sup> structure

<sup>3</sup> predicative complement

<sup>4</sup> pre-head dependents

<sup>5</sup> post-head dependents

<sup>6</sup> nominal

بین اسم و گروه اسمی جای دارند. اسم‌واره‌ها یک واژه تنها و در نتیجه اسم نیستند و از طرفی نیز گروه اسمی محسوب نمی‌شوند چون نمی‌توانند همانند دیگر گروه‌های اسمی دارای نقش‌های فاعلی، مفعولی و غیره باشند. همان‌گونه که در مثال‌های (7) مشهود است، اسم‌واره‌ها مادامی که در جایگاه فاعلی (a) و مفعولی (b) قرار گیرند منجر به نادرستی شدن ساخت می‌شوند (مثال‌ها از پین و هادلستون 2002, Payne & Huddleston).

7. a) \* Old man gave it to me.

b) \* Where can I find book you were talking about.

در مثال (8)، حرف تعریف *the* در جایگاه معرف<sup>۱</sup> *old man* قرار می‌گیرد و ضمیر اشاره *that* نیز در جایگاه معرف کل ساخت مطرح می‌شود و در نتیجه مقوله اسم‌واره به گروه اسمی تغییر می‌یابد و هر دو ساخت دستوری می‌شوند.

8. a) the old man

b) that book you were talking about

در مثال (9a)، *man* به عنوان اسم، در جایگاه هسته قرار دارد، اما در مثال (9b) هسته، اسم‌واره *old man* است و *man* در جایگاه هسته آن قرار دارد و «هسته غائی<sup>۲</sup>» نام دارد.

9. a) the man

b) the old man

پیش‌تر نیز اشاره شد که تمرکز پژوهش حاضر بر انواع وابسته‌های هسته در گروه‌های اسمی می‌باشد. پین و هادلستون (2002, p. 330, Payne & Huddleston) از دو نوع وابسته‌های درونی<sup>۳</sup> و وابسته‌های بیرونی<sup>۴</sup> صحبت به میان می‌آورند. مراد از نوع نخست وابسته‌هایی هستند که به عنوان سازه‌های بلافاصل اسم‌واره ظاهر می‌شوند. این وابسته‌ها می‌توانند پیش از اسم‌واره هسته‌ای ظاهر شوند (10) یا در پی آن (11).

<sup>1</sup> determiner

<sup>2</sup> ultimate head

<sup>3</sup> internal dependents

<sup>4</sup> external dependents

10. a) The two mistakes I made.

b) An extremely old manuscript.

c) Ministry of Defense officials.

d) Some wonderfully warm woollen blankets.

11. a) A house as big as I have ever seen.

b) The nightlife in Paris.

c) The proposal which she made.

d) The photographs of Paris which her father has taken.

در هریک از مثال‌های (10)، وابسته درونی اسم‌واره به ترتیب در قالب معرف، گروه صفتی، اسم‌واره و ترکیب گروه صفتی + صفت ظاهر شده است. در مثال‌های (11) نیز هر یک از وابسته‌های درونی پی‌رو به ترتیب دارای ساختار گروه صفتی، گروه حرف‌اضافه‌ای، بند موصولی و ترکیب گروه حرف‌اضافه‌ای + بند موصولی هستند. انواع وابسته‌های درونی نیز به دو قسم توصیف‌گرها<sup>1</sup> و متمم‌ها<sup>2</sup> قابل تقسیم می‌باشند. تمامی وابسته‌ها در مثال‌های (10) و (11) از نوع توصیف‌گر می‌باشند (البته به جز مثال (11b) که از نوع متمم است). مثال‌های (12) نیز مبین وابسته‌های متممی هستند:

12. a) The finance minister.

b) Our legal advisor.

در خصوص وابسته‌های بیرونی نیز باید گفت که این وابسته‌ها سازه‌های بلافاصل گروه اسمی (نه اسم‌واره) محسوب می‌شوند. معرف، نمونه تمام عیار وابسته بیرونی است که بر خلاف وابسته‌های درونی، سازه بلافاصل اسم‌واره محسوب نمی‌شود و وجود آن اسم‌واره را به گروه اسمی مبدل می‌سازد. برای نمونه در هریک از مثال‌های (13)، هر یک از ترکیب‌های *United States* و *Ministry of Defense* یک اسم‌واره هستند که نمی‌توانند جایگاه هسته را اشغال کنند و برای آن که بتوانند در جایگاه هسته قرار گیرند و متعاقب آن

<sup>1</sup> modifiers

<sup>2</sup> complements

پذیرای نقش‌های فاعلی یا مفعولی شوند باید سازه معرف به اسم‌واره اضافه شود و آن را به گروه اسمی مبدل سازند (14).

13. a) \* United states is sending a warship.

b) \* She has joined Ministry of Defense.

14. a) The United states is sending a warship.

b) She has joined the Ministry of Defense.

به علاوه، می‌توان قائل به وجود توصیف‌گرهای بیرونی نیز بود که توصیف‌گر گروه اسمی محسوب می‌شوند و به دو دسته «توصیف‌گرهای پیش‌معرف<sup>۱</sup>» (یا به طور کلی پیش‌معرف) (15) و «توصیف‌گرهای حاشیه‌ای<sup>۲</sup>» (16) تقسیم می‌شوند.

15. a) He destroyed [both those copies].

b) Its [two thirds the price of the other one].

c) She had [such a brilliant idea].

16. a) [Even this house] is too expensive.

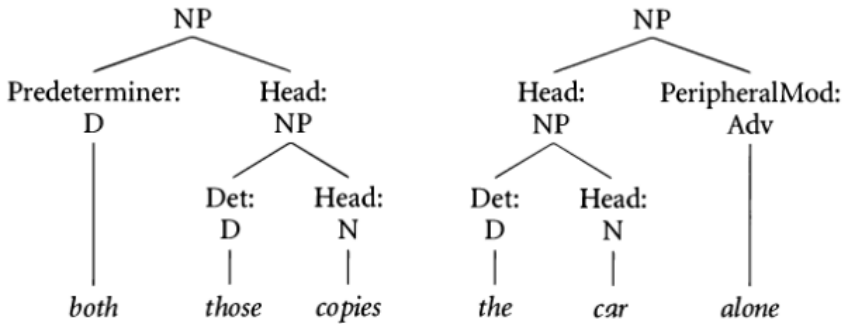
b) We couldn't manage with [the car alone].

c) He took [by far the most difficult path].

همان‌گونه که در مثال‌ها مشهود است، پیش‌معرف‌ها قبل از معرف ظاهر می‌شوند و توصیف‌گرهای حاشیه‌ای نیز عمدتاً شامل عناصر افزوده مانند قیدها، گروه‌های حرف‌اضافه‌ای و غیره می‌شوند. نمودار درختی هر یک از مثال‌های (15a) و (16b) به ترتیب به عنوان وابسته‌های بیرونی پیش‌معرف و توصیف‌گر حاشیه‌ای در نگاره (۳) نشان داده شده‌اند.

<sup>1</sup> predeterminer modifiers

<sup>2</sup> peripheral modifiers



نگاره ۳: نمودارهای درختی انواع وابسته‌های بیرونی، برگرفته از برگرفته از پین و هادلستون (Payne & Huddleston, 2002, p. 331)

در بخش بعدی به بررسی ویژگی‌های اسم و گروه‌اسمی در زبان فارسی پرداخته خواهد شد و در این راستا آراء و روش‌شناسی پین و هادلستون (Payne & Huddleston, 2002) به عنوان مبنای نظری استفاده خواهد شد.

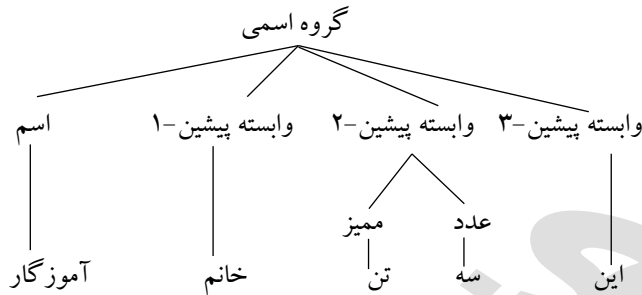
#### ۴- تحلیل گروه اسمی فارسی

تحلیل گروه اسمی فارسی در این تحقیق، مبتنی بر اصولی است که در پین و هادلستون (Payne & Huddleston, 2002) ارائه شده است. طبق نگرش نظری این اثر، هر مقوله نحوی، از جمله اسم و گروه اسمی، ابتدا با ملاک‌های صوری و توزیعی از دیگر مقوله‌ها متمایز می‌شود. سپس نقش و جایگاه هر وابسته در گروه اسمی با جزییات معین می‌شوند. و در گام بعد، کارکردهای نقشی و معنایی گروه اسمی و اجزای تشکیل دهنده آن شرح و بسط داده خواهد شد.

#### ۴-۱- وابسته‌های درونی پیش‌رو در گروه اسمی

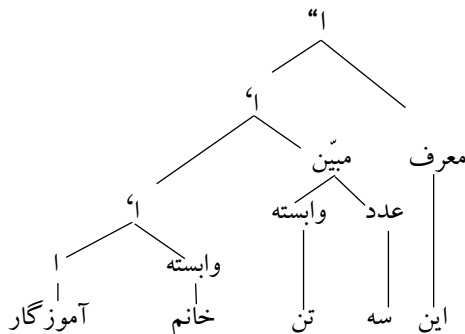
پیش پرداختن به بحث وابسته‌های درونی پیش‌رو، نگاهی به دیدگاه مشکوه الدینی (Meshkatdini, 2000) در باب وابسته‌های خالی از لطف نیست. مشکوه الدینی (Meshkatdini, 2000) اصطلاحاتی چون «خانم» و «پسر» را در ساخت‌هایی چون «خانم آموزگار» و «پسر بچه» را وابسته‌های پیش‌رو شماره ۱ می‌داند اما هیچ توضیحی در باب ماهیت وابسته‌های شماره یک ارائه نمی‌دهد. ایشان در نهایت طی یک نمودار درختی از

یک گروه اسمی حاوی وابسته‌های پیشین ۳، ۲ و ۱ را به نمایش درمی‌آورد که با ششم زبانی گویشوران فارسی تطابق کامل ندارد. ستاره کنار شماره مثال به منزله غیرواقعی بودن نمودار درختی است:



#### نگاره ۴: روابط ساختمانی وابسته‌ها از نگاه از مشکوه الدینی

در مثال بالا، «سه» و «تن» ابتدا در پائین‌ترین سطح از گروه با هم ترکیب شده و سازه‌ی «سه تن» را تشکیل می‌دهند، و این سازه‌ی در یک سطح بالاتر با سازه‌ی «خانم آموزگار» ترکیب می‌شود و با هم سازه‌ی بزرگتری بنام «سه تن خانم آموزگار» را تشکیل می‌دهند. و این سازه در بالاترین سطح از گروه با یک معرف بنام «این» سازه نهائی را تشکیل می‌دهند. بنابراین، نقدی که بر نمودار فوق وارد است این که وابسته‌های پیش‌رو شماره ۱، ۲ و ۳ همگی در یک سطح و بطور موازی در کنار هسته ظاهر شده‌اند، و بر خلاف تحلیل مشکوه الدینی (Meshkatdini, 2000)، ارتباط میان هر سه وابسته فوق نه موازی و نه هم‌سطح است. از آنجا که «خانم» و «آموزگار» بر یک واحد معنایی دلالت دارند، پس باید ابتدا در کنار هم یک سازه به نام «خانم آموزگار» را تشکیل دهند، و این سازه، سازه‌ی «سه تن» را به عنوان وابسته بخود بپذیرد: بر این پایه، نمودار گروه اسمی فوق به شکل زیر اصلاح خواهد شد:



#### نگاره ۵: روابط ساختمانی وابسته‌های پیش‌رو با هسته گروه

اکنون به بحث خود مربوط به وابسته‌های درونی پیش‌رو به شرح ذیل می‌پردازیم:  
**الف.** نخستین دسته از وابسته‌های درونی پیش‌رو در گروه اسمی عبارتند از **صفات اشاره،**

### ادات مبهم و ادات پرسش:

۱۷- این کتاب [صفات اشاره]

۱۸- هر کتابی [ادات مبهم]

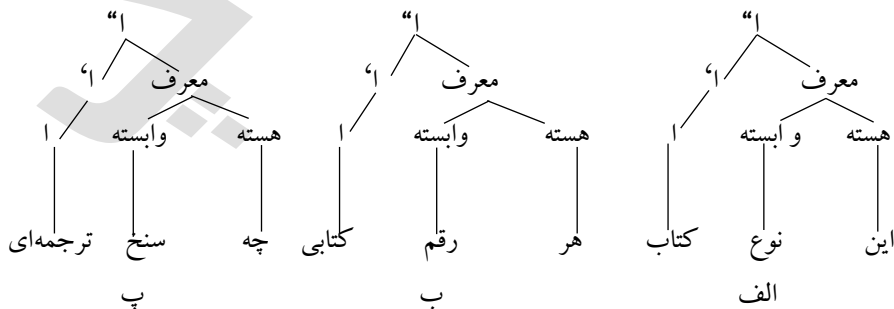
۱۹- چه کتابی، کدام کتاب [ادات پرسش]

هر کدام از وابسته‌های فوق ظرفیت پذیرش یک وابسته از قبیل «نوع، رقم، گونه، نمونه، سنخ» را دارند. مثلاً، در مثال (۵) «این» وابسته‌ای چون «نوع» را پذیرفته است. هر وابسته ابتدا در ساخت هسته‌ی خود ایفای نقش می‌کند و سپس درون ساختار گروه اسمی وارد می‌شود، و از این رو، وابسته‌هایی که غیرمستقیم در ساختمان گروه اسمی عمل می‌کنند وابسته‌های غیرمستقیم خوانده می‌شوند. همانطور که در نمودارهای (۶) مشاهده می‌شود، «نوع»، «رقم» و «گونه» به ترتیب در نقش وابسته‌ی «این»، «هر» و «چه» ظاهر شده‌اند، و وابسته‌های غیرمستقیم گروه اسمی نامیده می‌شوند:

۱۳- این نوع کتاب [وابسته‌ی وابسته]

۱۴- هر رقم کتابی [وابسته‌ی وابسته]

۱۵- چه سنخ ترجمه‌ای [وابسته‌ی وابسته]



نگاره ۶: رابطه ساختمانی معرف با وابسته‌ی معرف نسبت به هسته گروه اسمی

**ب.** دومین دسته از وابسته‌های گروه اسمی را سه عنصر **اعداد** (عادی، نامعین یا تقریبی)، **صفات عالی و اعداد ترتیبی** تشکیل می‌دهند:

۱۶- این دو کتاب

۱۷- هر سه لباس

۱۸- آن چند کتاب، این دو سه کتاب

۱۹- همین زیباترین تصویر

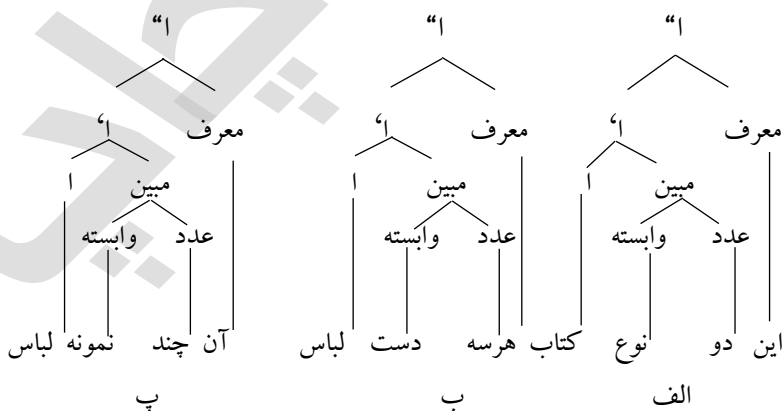
۲۰- همان چهارمین روز

عدد به عنوان وابسته، ظرفیت پذیرش یک وابسته از قبیل «نوع، رقم، گونه، نمونه، سنخ، دست، قبضه، کیسه، نفر، ...» را دارند. مثلاً، در (۲۱) «دو» وابسته‌ای به نام «نوع» را پذیرفته است. اما صفت عالی و عدد ترتیبی ظرفیت پذیرش وابسته ندارند. همانطور که نمودارهای (۷) مشاهده می‌شود، «نوع»، «دست» و «نمونه» بترتیب در نقش وابسته‌ی «دو»، «سه» و «چند» ظاهر شده‌اند، و بدین ترتیب، رابطه‌ی سلسله مراتبی میان هسته و وابسته در هر مورد رعایت شده است:

۲۱- این دو نوع کتاب [وابسته‌ی وابسته]

۲۲- هر سه دست لباس [وابسته‌ی وابسته]

۲۳- آن چند نمونه لباس [وابسته‌ی وابسته]



نگاره ۷: رابطه ساختمانی معرف و مبین نسبت به هسته گروه‌های اسمی

پ. دسته سوم از وابسته‌های درونی پیش‌رو را **القاب و توصیفگرهای مقلوب** تشکیل می‌دهند:



۲۴- شهید نامجو [لقب]

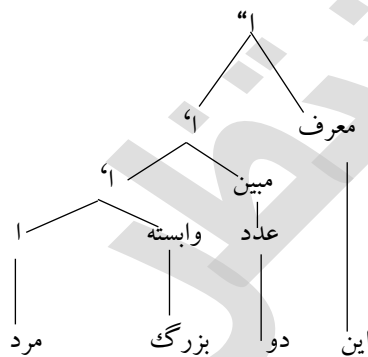
۲۵- بزرگ مرد [صفت مقلوب]

لقب، قابلیت جمع شدن با دیگر وابسته‌های پیش‌رو درونی را ندارد، اما صفات مقلوب چنین ظرفیتی را دارند:

۲۶- \*این سه شهید نامجو

۲۷- این دو بزرگ مرد تاریخ

۲۸- آن چند نمونه لباس [وابسته‌ی وابسته]



نگاره ۸: رابطه ساختمانی وابسته‌های پیش‌رو درونی نسبت به هسته گروه اسمی

ت. یکی از وابسته‌های منعطف در گروه اسمی که همواره به عنوان یک تکواژ مقید ظاهر می‌شود، یای نکره است. این وابسته هم به طریق پیش‌رو و هم به شکل پی‌رو در زنجیره گروه اسمی ظاهر می‌شود: در مثال‌های زیر، یای نکره در چهار گروه اسمی مختلف در جایگاه پیرو ظاهر شده است. البته در مثال آخر بنظر می‌رسد که یای نکره و یای وحدت با هم منطبق شده باشند:

۲۹- آقایی وارد شد که نمی‌شناختم

۳۰- سمیز تحریرهایی لازم دارم

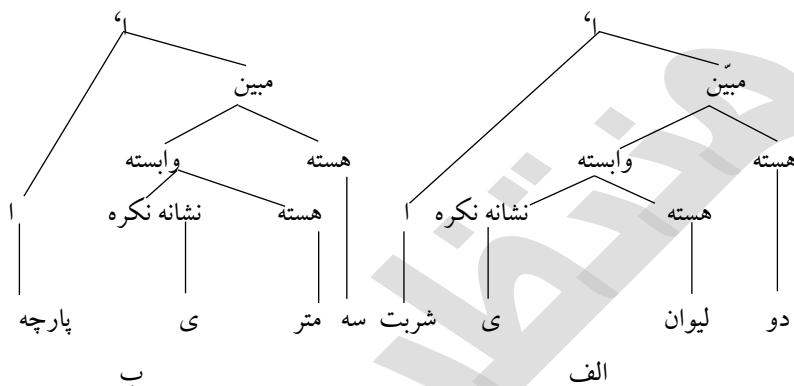
۳۱- استاد کتاب‌های جدیدی به من هدیه داد

۳۲- جایزه‌ی یک دانش‌آموزی را من دادم

یای نکره همچنین در جایگاه پیش‌رو قابل استفاده است. در دو مثال زیر، «شربت» و «پارچه» دو هسته هستند که «لیوان» و «متر» را به عنوان وابسته پیش‌رو پذیرفته‌اند. این دو وابسته نیز یای نکره را به عنوان وابسته پیش از هسته پذیرفته‌اند:

۳۳- دو لیوانی شربت کافی است.

۳۴- فعلاً سه متری پارچه برای من بخر.



نگاره ۹: جایگاه ساختمانی یای نکره در وابسته‌های پیش‌رو

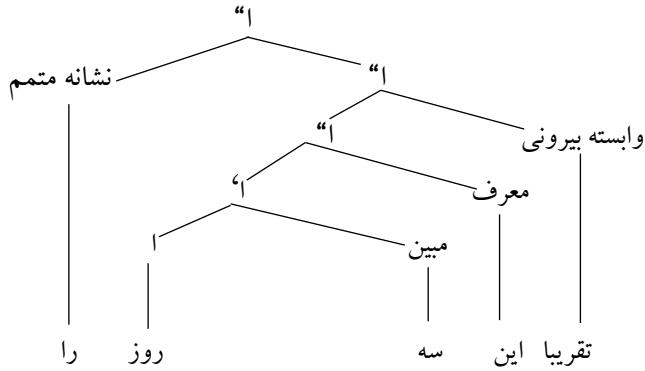
#### ۴-۲- وابسته‌های بیرونی پیش‌رو در گروه اسمی

منظور از هر وابسته‌ی بیرونی، عنصری قیدی است که سازه‌ای از سازه‌های گروه اسمی محسوب می‌شود اما در شمار وابسته‌های مستقیم و بی‌واسطه‌ی هسته‌ی گروه اسمی نیست، و ابتدا به ساکن همراه با هسته یک سازه تشکیل نمی‌دهد. طبق بررسی‌های نگارنده، سه دسته وابسته‌ی بیرونی پیش‌رو برای گروه اسمی فارسی متصور است:

**الف.** دسته نخست از وابسته‌های بیرونی پیش‌رو، عبارتند از قیدهایی چون *ظاهراً*، *تقریباً*، *واقعاً*، *بی‌شک*، *احتمالاً*، ... که پیش از سمت راست‌ترین وابسته‌ی هسته‌ی اسمی همچون *این ظاهر می‌شوند* همانگونه که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، سازه‌ی *تقریباً* نه به عنوان وابسته‌ی مستقیم هسته بلکه به مثابه‌ی وابسته‌ی کل گروه اسمی ظاهر شده است:

۳۵- [تقریباً این سه روز را] باید استراحت کنید

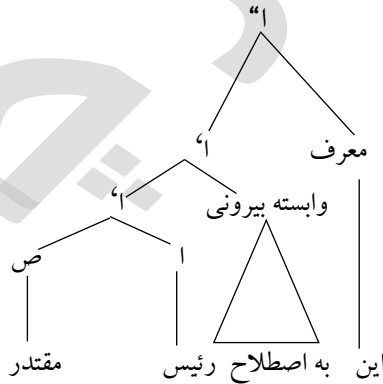
۳۶- [ظاهراً همین چهار کتاب را] هدیه گرفت.



نگاره ۱۰: جایگاه ساختمانی وابسته بیرونی پیش‌رو و نشانه‌ی متمم

ب. دسته دوم از وابسته‌های بیرونی پیش‌رو توصیفگرهایی همچون به اصطلاح، به ظاهر، واقعاً، ... هستند که پس از سمت راست‌ترین وابسته‌ی هسته‌ی اسمی ظاهر می‌شوند. همانگونه که در نمودار زیر مشاهده می‌شود، سازه‌ی «به اصطلاح» وابسته مستقیم هسته‌ی اسمی نیست بلکه وابسته کل گروه اسمی «رئیس مقتدر» است.

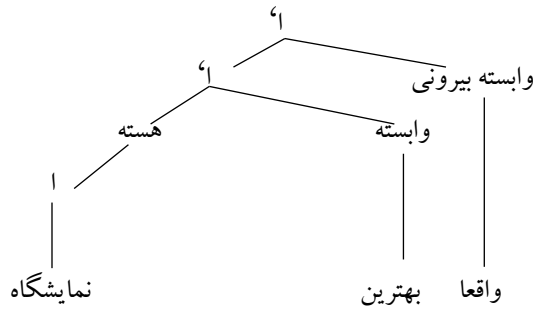
۳۷- کسی از [این به اصطلاح رئیس مقتدر] راضی نیست



نگاره ۱۱: رابطه ساختمانی وابسته‌ی پیش‌رو بیرونی نسبت به هسته گروه اسمی

پ. دسته سوم از وابسته‌های بیرونی پیش‌رو، عبارتند از قیودی چون «ظاهراً، واقعاً، بی‌شک، یقیناً، ...» که پیش از صفات عالی و اعداد ترتیبی قرار می‌گیرند:

۳۸- واقعاً بهترین نمایشگاه.



نگاره ۱۲: جایگاه ساختمانی وابسته بیرونی پیش‌رو و صفات عالی در گروه اسمی

### ۳-۴- وابسته‌های درونی پی‌رو در گروه اسمی

**الف.** نخستین دسته از وابسته‌های درونی پی‌رو در گروه اسمی عبارتند از: اسم‌واره‌هایی که قابلیت پذیرش وابسته پیش‌رو را ندارند. در هر یک از ترکیبات شماره (۳۹) تا (۴۱)، میز تحریر، کتاب تاریخ، جدول ریاضی، خلیج فارس، وابسته یک اسم‌واره است که هیچگاه ظرفیت پذیرش وابسته پیش‌رو را ندارند، و همین ویژگی، آنها را از وابسته پی‌رو شماره ۳ که به زودی از آن سخن خواهیم گفت متمایز می‌سازد. بر این اساس هیچکدام از ترکیبات زیر در فارسی پذیرفتنی نیستند:

۳۹- \*میز/این تحریر

۴۰- \*جدول آن ریاضی،

۴۱- \*خلیج هر فارس

**ب.** دومین دسته از وابسته‌های درونی پی‌رو در گروه اسمی عبارتند از گروه‌های صفتی:

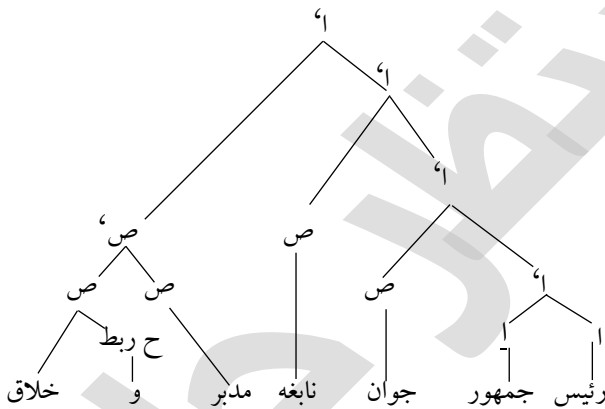
۴۲- رییس جمهور محترم

محدودیتی در شمار گروه‌های صفتی وجود ندارد:

۴۳- رییس جمهور جوان، نابغه، مدبر و خلاق

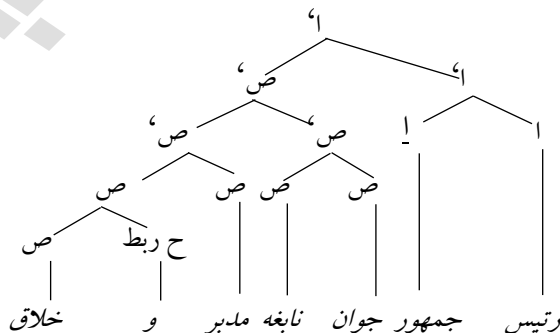
هر یک از صفتهای جوان، نابغه، مدبر و خلاق هر کدام یک گروه صفتی هستند زیرا ما می‌توانیم به هر کدام وابسته‌هایی اضافه کنیم، مانند: «رییس جمهور نسبتاً جوان، واقعاً نابغه، بسیار مدبر و کاملاً خلاق»

وضعیت وابسته‌های صفتی نسبت به هسته را به دو طریق می‌توان تحلیل کرد. بر طبق نگرش نخست، هسته ابتدا با نخستین وابسته ترکیب شده و سپس این ترکیب با وابسته بعدی ترکیب شده و این شیوه تا انتها تکرار می‌شود. بر این اساس، یک رییس جمهور جوان داریم که نابغه است، و سپس یک رییس جمهور جوان نابغه‌ی داریم که مدبر است، و سپس یک رییس جمهور جوان نابغه‌ی مدبری داریم که خلاق است. آنچه هم اکنون بیان شد، به شکل نمودار زیر قابل مشاهده است:



نگاره ۱۳: رابطه ساختمانی ناهمپایه‌ی وابسته‌های صفتی با هسته گروه اسمی

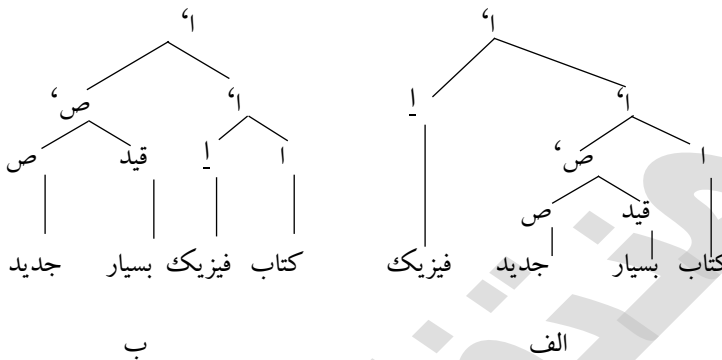
طبق نگرش دوم، تمامی وابسته‌های صفتی ابتدا بطور موازی با هم ترکیب می‌شوند و سپس بطور یکجا به هسته وصل می‌شوند. نمودار درختی زیر بازتاب این نوع نگرش است:



نگاره ۱۴: رابطه ساختمانی همپایه‌ی وابسته‌های صفتی با هسته گروه اسمی

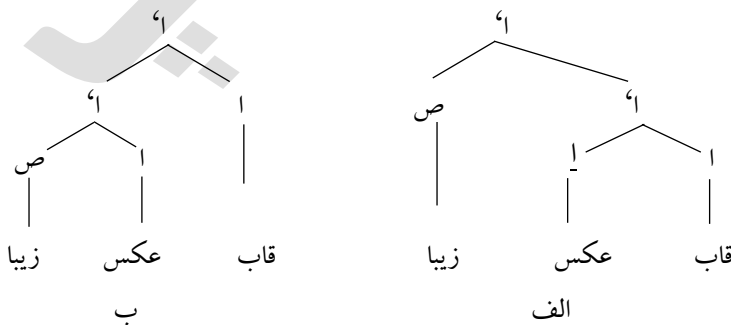
گروه صفتی به عنوان وابسته‌ی هسته را می‌توان بر اسم‌واره مقدم قرار داد. گروه‌های اسمی زیر هر دو قابل قبول هستند هر چند شاید بسامد کاربردی نمونه‌ی دوم بیشتر از بسامد کاربردی نمونه نخست باشد:

۴۴- کتاب بسیار جدید / کتاب فیزیک / کتاب فیزیک بسیار جدید



نگاره ۱۵: دو ساخت متفاوت با معنای یکسان

گاهی ممکن است جابجایی جایگاه اسم‌واره با گروه صفتی با تغییر معنایی همراه شود یا تغییر دوگانه پیدا کند. عبارتی چون «قاب زیبای عکس» خالی از ابهام معنایی است؛ اما عبارتی چون «قاب عکس زیبا» دارای دو تعبیر است: در یک تعبیر زیبایی به قاب عکس برمی‌گردد، و در تعبیر دیگر، عکس زیباست. دو نمودار درختی زیر، بترتیب نشانگر تعبیر نخست و تعبیر دوم است:



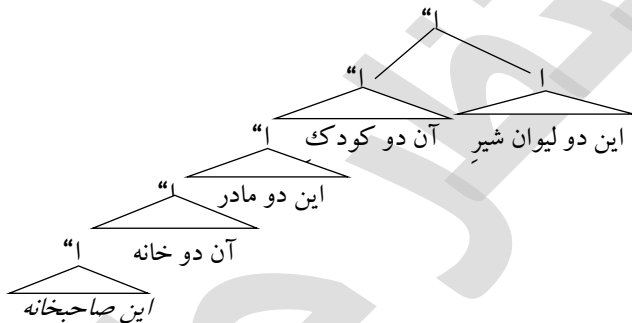
نگاره ۱۶: زنجیره یکسان با دو ساخت و معنای متفاوت

پ. سومین دسته از وابسته‌های درونی پی‌رو در گروه اسمی، یکی از ضمائر شخصی، یای نکره و یک گروه اسمی دیگر است که هسته‌ی آن تمام ویژگی‌های هسته اصلی را داراست. در مثال زیر، «آن دو کودک» یک گروه اسمی است که به عنوان وابسته هسته ظاهر شده است:

۴۵- این دولیوان شیر آن دو کودک

«کودک» نیز به نوبه خود ظرفیت پذیرش یک گروه اسمی به عنوان وابسته دارد و این روند به لحاظ نظری تا بی‌نهایت قابل گسترش است (هرچند که به لحاظ معنایی قدری ناملموس می‌نماید):

۴۶- این دولیوان شیر آن دو کودک این دو مادر آن دو خانه‌ی این صاحبخانه



تکانه ۱۷: شیوه افزودن گروه‌های اسمی به گروه اسمی در فارسی

گاهی بجای گروه اسمی ممکن است یک ضمیر شخصی ظاهر شود که در این صورت امکان افزودن گروه اسمی دیگر به ساخت امکان پذیر نیست:

۴۷- این دولیوان شیر آنها

گاهی نیز یک یای نکره در این جایگاه قرار می‌گیرد:

۴۸- دو جلد کتابی به ما جایزه دادند.

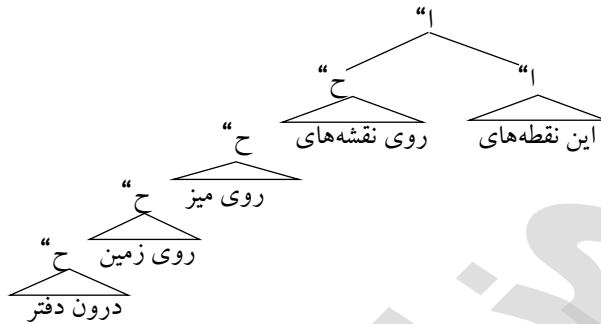
ت. چهارمین وابسته‌ی درونی پی‌رو را گروه حرف اضافه تشکیل می‌دهد:

۴۹- دو جلد کتاب جدید روی میز

گروه‌های حرف اضافه به دو شکل تکرارپذیرند. در طریق نخست، هر گروه حرف اضافه یک گروه حرف اضافه دیگر را بخود می‌پذیرد. در مثال زیر «درون دفتر» وابسته‌ی «زمین»

است؛ و «روی زمین» وابسته‌ی «میز» است؛ «روی میز» نیز وابسته «نقشه» است؛ و در نهایت، «روی نقشه» وابسته «نقطه‌ها» است:

۵۰- این نقطه‌های روی نقشه‌ی روی میز روی زمین درون دفتر

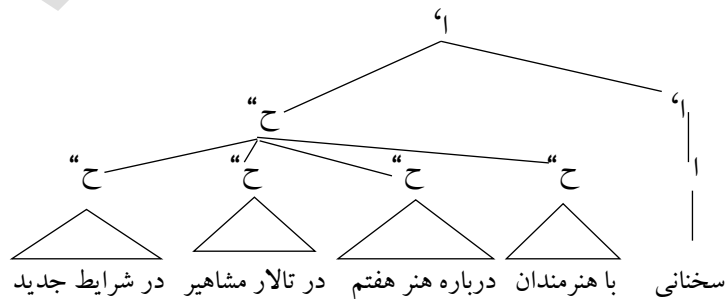


تکراه ۱۸: شیوه افزودن گروه‌های حرف اضافه به گروه اسمی در فارسی

در طریق دوم، هر گروه حرف اضافه، بطور جداگانه به هسته‌ی گروه اسمی مرتبط می‌شود. در مثال زیر، چهار گروه حرف اضافه وجود دارد که هر کدام بطور مستقل با هسته‌ی گروه اسمی یعنی «سخنانی» وصل شده‌اند، و هر کدام بدون دیگری قابلیت حضور در گروه اسمی را دارند:

۵۱- سخنانی در شرایط جدید در تالار مشاهیر درباره‌ی هنر هفتم با هنرمندان

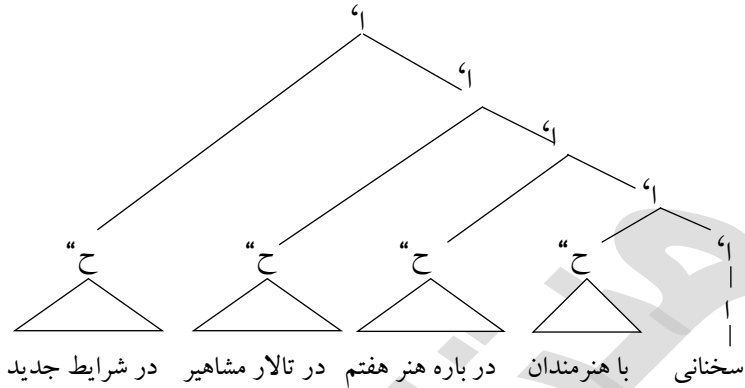
رابطه‌ی گروه‌های حرف اضافه‌ای با هسته گروه اسمی را به دو طریق می‌توان نشان داد که هر دو روش، منطقی می‌نماید. در طریق نخست، تمام وابسته‌ها به شکلی خطی، در یک سطح و بطور موازی با هم جمع شده و به عنوان یک سازه‌ی بزرگتر به هسته‌ی گروه اسمی وصل می‌شوند:



تکراه ۱۹: شیوه افزودن گروه‌های حرف اضافه جدای از هم به گروه اسمی در فارسی



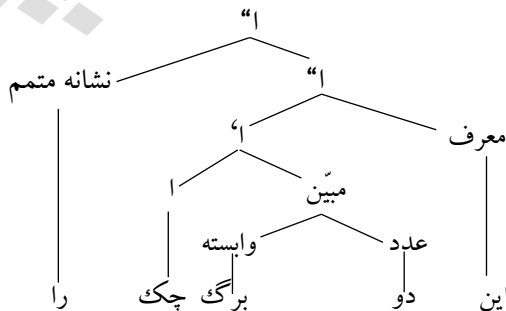
در روش دوم، نخستین گروه حرف اضافه‌ای در کنار هسته اسمی یک سازه تشکیل می‌دهد، و سازه‌ی حاصل، گروه اضافه بعدی را به خود می‌پذیرد؛ سپس این سازه‌ی بزرگ‌تر، گروه حرف اضافه بعدی را به خود می‌پذیرد و الی آخر:



نگاره ۲۰: شیوه افزودن گروه‌های حرف اضافه به گروه اسمی به طریق سلسله مراتبی

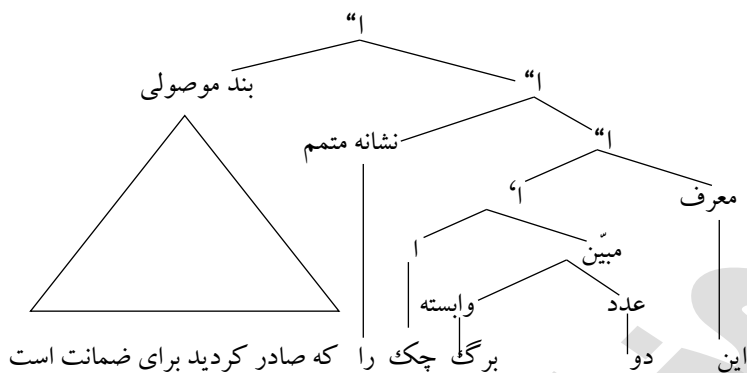
ث. پنجمین وابسته‌ی درونی پی‌رو در گروه اسمی تکواژ «را» است که به نشانه‌ی متمم شناخته شده است و در صورتی ظاهر می‌شود که گروه اسمی مورد نظر در نقش متمم مستقیم ظاهر شود. لازم به ذکر است که «را» متعلق به کل گروه اسمی است و نه هسته‌ی گروه اسمی و به همین جهت به عنوان وابسته کل گروه به نمایش در می‌آید. البته در صورتی که برای نمونه در نگاره (۲۲)، گروه اسمی وابسته بندی داشته باشد، «را» مقدم بر آن ظاهر می‌شود:

۵۲- این دو برگ چک را



نگاره ۲۱: جایگاه «را» در ساختمان گروه اسمی

ج. ششمین وابسته‌ی درونی پی‌رو در گروه اسمی مقوله‌ای نحوی به نام بند است:

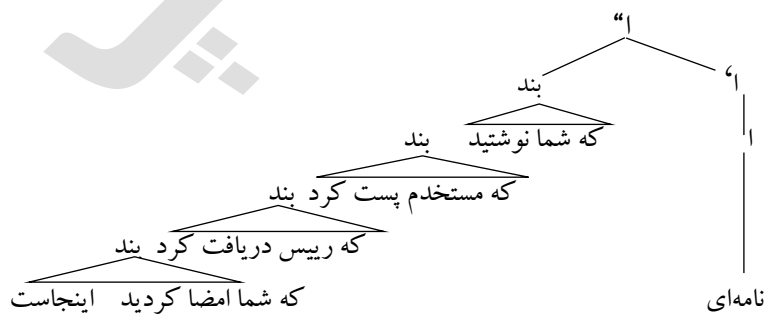


#### نگاره ۲۲: جایگاه بند موصولی در ساختمان گروه اسمی

بندها به عنوان وابسته‌های گروه اسمی به دو شکل قابل تکرار هستند. در طریق نخست، هر بند، یک بند دیگر را بخود می‌پذیرد. در مثال زیر «شما امضا کردید» وابسته‌ی «رییس دریافت کرد»، و بند اخیر، وابسته‌ی «مستخدم پست کرد»، و در نهایت، این یکی نیز وابسته‌ی «شما نوشتید» است:

۵۳-نامه‌ای که شما نوشتید که مستخدم پست کرد که رییس دریافت کرد که شما

امضا کردید اینجاست



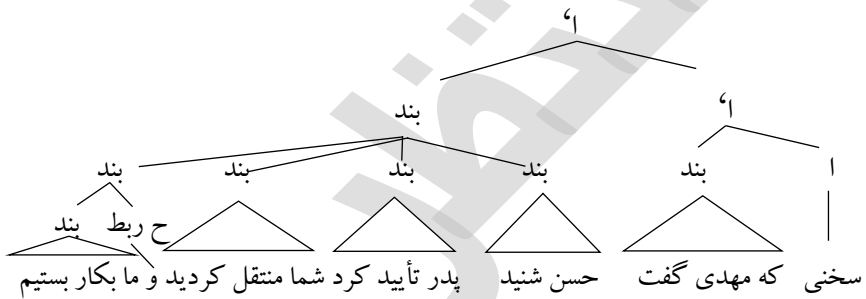
نگاره ۲۳: شیوه افزودن بندهای وابسته به طریق سلسله مراتبی در گروه اسمی

در طریق دوم، بندها هر کدام بطور جداگانه به هسته‌ی گروه اسمی ربط می‌یابند. در مثال زیر، چهار بند وجود دارد که هر کدام بطور جداگانه با هسته‌ی گروه اسمی «سخنی» ربط یافته‌اند و هر کدام بدون دیگری قابلیت حضور در گروه اسمی را دارد:

۵۴- سخنی که مهدی گفت، حسن شنید، پدر تأیید کرد، شما منتقل کردید و ما

بکار بستیم

رابطه‌ی بندهای فوق با هسته گروه اسمی را به طریق زیر می‌توان نشان داد. تمام وابسته‌های به شکلی خطی، در یک سطح و بطور موازی با هم جمع شده و به عنوان یک سازه‌ی بزرگتر به هسته‌ی گروه اسمی وصل می‌شوند:



نگاره ۲۴: بندهای همپایه به عنوان وابسته در گروه اسمی

#### ۳-۴- وابسته‌های بیرونی پی‌رو در گروه اسمی

در میان وابسته‌های پی‌رو، برخی از وابسته‌های بیرونی هستند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

**الف.** نخستین دسته از وابسته‌های بیرونی پی‌رو، متمم‌هایی بی‌واسطه در قالب گروه حرف اضافه هستند که بیانگر مطلبی در باره‌ی هسته‌ی گروه اسمی می‌شوند:

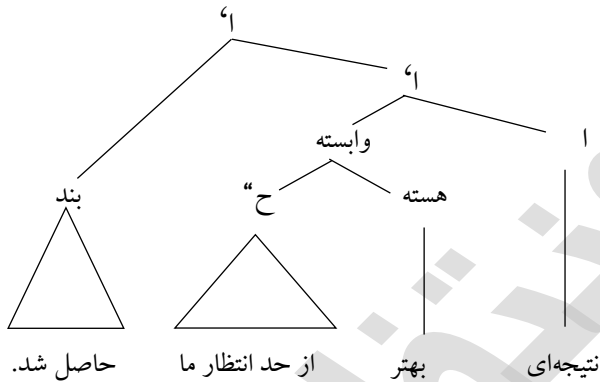
۵۵- ترس ما از شکست کار را دشوار کرد

**ب.** دسته دوم از وابسته‌های بیرونی پی‌رو، متمم‌هایی بی‌واسطه در قالب بند هستند:

۵۶- این ادعا که او بهترین بازیکن است مورد تأیید است.

پ. دسته سوم از وابسته‌های بیرونی پی‌رو را متمم‌های غیر مستقیم تشکیل می‌دهند. برای مثال، در بند زیر، واژه‌ی «بهرتر» وابسته بی‌واسطه‌ی هسته، یعنی «نتیجه» است؛ گروه حرف اضافه‌ی «از حد انتظار ما» نیز متمم «بهرتر» یا به بیانی دقیق‌تر، متمم نشانه تفضیلی «تر» است:

۵۷- نتیجه‌ای بهتر از حد انتظار ما حاصل شد.



نگاره ۲۵: جایگاه متمم غیر مستقیم در گروه اسمی

ت. چهارمین عنصری را که باید از وابسته‌های بیرونی پی‌رو بحساب آورد، یک گروه اسمی است که بطور سنتی به بدل معروف است. در مثال زیر، گروه اسمی «شاعر معروف» به عنوان وابسته هسته ظاهر شده است:

۵۸- سعدی، شاعر معروف در شهر شیراز می‌زیسته است.

## ۵- خلاصه و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر درباره وابسته‌های پیش‌رو، نشان داده شد که سمت راست‌ترین وابسته‌های گروه اسمی متعلق به سه مقوله‌ی متفاوت از جمله صفات اشاره، ادات مبهم و پرسش هستند. دسته دوم از وابسته‌های پی‌رو، متشکل از سه عنصر اعداد عادی، اعداد ترتیبی و صفات عالی است که از این میان، تنها اعداد عادی ظرفیت پذیرش وابسته دارند. دسته سوم از وابسته‌های پیش‌رو را القاب و توصیفگرهای مقلوب تشکیل می‌دهند. در این بافت، یای نکره به عنوان تکواژی منعطف که هم پیش و هم پس از هسته قابلیت ظاهر شدن دارد نیز

صحبت شد. در این تحقیق، سه نوع وابسته‌ی بیرونی پیش‌رو مطرح شد. دسته‌ی نخست، شامل قیده‌های پیش‌معرف هستند که پیش از سمت راست‌ترین وابسته‌ی درونی پیش‌رو ظاهر می‌شوند. دسته دوم، شامل قیده‌های پس‌معرف هستند که بلافاصله پس از سمت راست‌ترین وابسته درونی پیش‌رو می‌آیند. وابسته‌های درونی پی‌رو نیز شامل شش مقوله مختلف بودند که سه موضوع درباره آنها مورد بحث قرار گرفت که عبارت بودند از: ترتیب نسبی آنها نسبت به هسته، وابسته‌های انعطاف‌پذیر و تکرارپذیری یا تکرارناپذیری وابسته‌ها. در نهایت، چهار نوع وابسته بیرونی پی‌رو مورد بحث قرار گرفت. دسته نخست از این وابسته‌ها متمم‌های بی‌واسطه در قالب گروه‌های حرف اضافه‌ای هستند که نقش آنها ماهیتاً با نقش وابسته‌ی حرف اضافه‌ای هسته متفاوت است. دسته دوم از وابسته‌های بیرونی شامل بندهایی بی‌واسطه‌ای هستند که نقش آنها ماهیتاً با نقش وابسته‌های بند هسته متفاوت است. دسته سوم از وابسته‌های بیرونی نیز متمم‌های غیر مستقیم هسته هستند. دسته چهارم از وابسته‌های بیرونی پی‌رو، عناصری هستند که به بدل معروفند.

## منابع فارسی

- افراشی، آرزیتا (۱۳۸۶). ساخت زبان فارسی. تهران: سمت.
- باطنی، محمدرضا (۱۳۴۸). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- پهلون نژاد، محمدرضا (۱۳۷۹). مقایسه ساخت گروه اسمی و گروه اضافه‌ای در زبان فارسی و انگلیسی. مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۱۹۶-۱۸۲.
- تارویردی نسب، محمد، و همکاران (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی و نقد آرای دستورنویسان درباره عناصر ساختمانی گروه اسمی در زبان فارسی دو فصلنامه علوم ادبی. سال ۶، شماره ۱۰ پاییز و زمستان، صص ۳۵-۵۷.
- حسینان، حسین (۱۳۶۸). گروه اسمی زبان فارسی بر مبنای نظریه ایکس تیره. مجله زبان‌شناسی. شماره ۱. صص ۴۰-۲۹.
- حسینی معصوم، سید محمد و محمد جواد مهدوی (۱۳۹۵). معرفی یک گروه نقشی جدید در نحو زبان فارسی؛ گروه نقشی نکره. زبان شناخت بهار و تابستان، سال هفتم، شماره ۱. صص ۴۶-۱۷.
- حیدری، مریم (۱۳۹۵). متمم قیدی، گروه قیدی، گروه اسمی، یا گروه حرف اضافه‌ای؟ فنون ادبی. پاییز، شماره ۱۶. صص ۲۰۴-۱۹۳.
- رحیمیان، جلال (۱۳۸۱). دستور زبان فارسی: صورت، نقش، معنا، شیراز: چاپخانه دانشگاه شیراز.
- رحیمیان، جلال (۱۳۸۷). تحلیل ساختی گروه اسمی فارسی بر پایه نحو ایکس تیره. نشر پژوهی ادب فارسی. شماره ۲۳ (پیاپی ۲۰). بهار. صص ۱۴۳-۱۶۶.
- رحیمیان، جلال و امیرسعید مولودی (۱۳۹۵). گروه کمیت نما در فارسی امروز. مطالعات زبان‌های و گویش‌های غرب کشور. پاییز، شماره ۱۴. صص ۷۶-۶۱.
- شریعت، محمد جواد (۱۳۶۷). دستور زبان فارسی. تهران: انتشارات اساطیر.
- شفایی، احمد (۱۳۶۳). مبانی علمی دستور زبان فارسی، تهران: انتشارات نوین.
- طیب‌زاده، امید (۱۳۹۱). دستور زبان فارسی: بر اساس نظریه‌ی گروه‌های خودگردان در دستور وابستگی. تهران: نشر مرکز.
- غلامعلی زاده، خسرو (۱۳۷۴). ساخت زبان فارسی، تهران: انتشارات احیاء کتاب.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۸۲). دستور مفصل امروز. تهران: انتشارات سخن.
- گیوی، احمد و انوری حسن (۱۳۷۰). دستور زبان فارسی، تهران: فاطمی.

مشکوٰۃ‌الدینی، مهدی (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی: بر پایه نظریه گشتاری*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

موسوی، اعظم السادات، گذشتی، محمدعلی (۱۳۹۶). واحد واژگون مرتبه در ساختار گروه اسمی جمله در کلام حافظ. *پژوهش‌های نقد ادبی و سبک شناسی*. شماره ۳۰، زمستان. صص ۱۹۳-۱۶۹.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۰). *دستور زبان فارسی*. تهران انتشارات توس.

وحیدیان کامیار، تقی و غلامرضا عمرانی (۱۳۷۹). *دستور زبان فارسی (۱)*، تهران: سمت.

یزدانی، سارا. (۱۳۹۷). بررسی رده شناختی نحوی و معنایی اسامی درون مرکز و برون مرکز زبان فارسی در داستان‌های کودک و نوجوان. *زبان پژوهی*، ۱۰ (۲۹). صص ۸۱-۴۶۱. doi:

10.22051/jlr.2017.14273.1292

#### منابع بین‌المللی

Aarts, Bas (2013). *English Syntax and Argumentation*. Macmillan Education UK.

Afrashi, H. (2007). *The Structure of Persian Language*. Tehran: Samt.

Batani, M. (1969). *A Description of Persian Language Structure*. Tehran: Amirkabir

Farshidvar, K. (2009). *Dastor-e Mofassal-e Emroz*. Tehran: Sokhan [In Persian].

Gholam Ali Zadeh, Kh. (1995). *Sakht-e zaban-e Farsi*. Tehran: Ehya ketab.

Givi, A. Anvari, H. (1991). *Persian Grammar*. Tehran: Fatemi.

Hasanian, H. (1989). Noun phrase of Persian language based on X-bar theory. *Linguistics*. (1), 29-40.

Heidari, M. (2016). Complement of adverb, adverbial phrase or Prepositional phrase?. *Literary Arts*, 8(3), 193-204. doi: 10.22108/liar.2016.21027

Hosseini-Maasoum, S., Mahdavy, M. (2016). IndefP as a New Functional Category in Persian. *Language Studies*, 7(13), 17-46.

Huddleston, R & Payne, J. (2002). Nouns and noun phrases. In Huddleston & Pullum, G.K. *The Cambridge grammar of the English language*. Cambridge: Cambridge University Press.

- Lazard, G. (1957). *Grammair du Persan contemporain*. Paris: Klincksieck.
- Mahootian, S. (1997). *Persian*. London. Routledge.
- Rahimian, J. (1995). *Clause types and other aspects of clause structure in Persian: a study oriented towards comparison with English*. Unpublished PhD. dissertation. Queensland University.
- Rahimian, J. and F. Hajiani (2009). Semantic-pragmatic functions of *rā* in Persian: a diachronic and synchronic study. *The Journal of Indo-European studies* 37, 3 & 4, 399-420.
- Rahimian J. and M. J. Jabbari (2018). An obsolete syntactic pattern in Persian. *Journal of Indo-European Studies*. No. 46. Vol 3-4, 361-70.
- Rahimian, J. (2000). *Persian Grammar: Form, Function, Meaning*. Shiraz University Press.
- Rahimian, J (2008). Structural Analysis Of Persian Np Based On X-Bar Theory. *Journal of the faculty of letters and humanities (kerman)*. (23): 20, p 143-166.
- Rahimian, J., Moloodi, A. (2016). Quantifier Phrases in Modern Persian. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 3(14), 61-75. doi: 10.22126/jlw.2016.1274.
- Schwarz, F. (2012). Pronouns in determiner phrases. *Natural Language Semantics* 20, 431-475.
- Shafaei, A. (1985). *Mabani-ye Elmi-ye Dastoor-e Zaban-e Farsi*. Tehran: Novin.
- Shariaat, M. (1988). *Persian Grammar*. Tehran: Asatir.
- Tabibzadeh, O. (2012). *Persian Grammar based on the Autonomous Theory in Dependency Grammar*. Tehran: Markaz.
- Tarvirdi Nasab, M. Pouyaei Irani, M. & Vahed, A. (2016). A comparative and critical study of structure of noun phrases in persian grammars. *Rhetoric and Grammar Studies*, 6(10), 35-57. doi: 10.22091/jls.2016.909
- Windfuhr, G. L. (1979). *Persian Grammar: History and State of its study*. New York: Mouton.
- Yazdani, S. (2019). The Syntactic and Semantic typological study of endocentric and exocentric compound nouns in Iranian children and adolescents stories. *ZABANPAZHUI (Journal of Language Research)*, 10(29), 461-81. doi: 10.22051/jlr.2017.14273.1292



# Persian noun phrase and its dependents

Jalal Rahimian<sup>1</sup>

Received: 2022-04-26

Accepted: 2022-10-30

## 1. Introduction

During recent decades Persian noun phrases have been analyzed in details by many linguists within different theoretical frameworks. However, some dimensions of this syntactic category, including internal and external dependents as well as their relative positions to the head noun, and direct dependents vs indirect ones still remain to be discussed and reanalyzed. While direct dependents function directly in the structure of the NP, indirect ones function in the structure of dependents of the NP. Flexibility of dependents in terms of their positions relative to the head noun as well as possible repetition of dependents in the structure of the NP are among topics discussed in this piece of research. Taking Payne and Huddleston (2002) as a model, the writer presented proper answers to the above issues.

Based on the above, the present article seeks to answer the following questions:

- 1- What is the representation of head-dependents in noun phrases in Persian language?
2. How is reproducibility manifested in head-dependents in noun phrases?

The importance of previous research in the field of noun phrases is undeniable and each of them has contributed to the deepening of syntactic studies. However, with a brief look at the existing research, it can be said that some aspects of the Persian noun phrases still

---

<sup>1</sup> Professor in Linguistics, Shiraz University, Department of English Languages and Linguistics, jrahimia@rose.shirazu.ac.ir

require new research and analysis. The purpose of this study is to introduce external dependencies in the noun phrases and distinguish them from internal dependencies, as well as to distinguish between direct and indirect dependencies. Details on the flexibility of some dependencies in terms of their position relative to the head of the noun phrases will also be discussed. Finally, the reproducibility of some dependents will be examined and analyzed in detail.

## **2. Materials and methods**

In the present study, we will use a descriptive-analytical method to examine the data. The research data are also based on the author's intuition and the approval of other speakers' intuition.

## **3. Results and discussion**

During this research, after a critical look at the most important works in the field of noun phrase, aspects of this category that were not considered before were addressed. Regarding the pre-head dependents, it was shown that the rightmost dependents of the noun phrase belong to three different categories, including the demonstrative pronoun, ambiguous devices, and question phrases. Then it was determined what elements these dependents have the capacity to accompany.

The second group of pre-head dependents consists of three elements: cardinal numbers, ordinal numbers, and superlative adjectives, of which only cardinal numbers have the capacity to accept dependent. The third category of pre-head dependents consists of titles and descriptors. In this context, indefinite article/ -y/, was also discussed as a flexible morpheme that can appear before and after the head. In this study, I proposed three types of external pre-dependents. The first category consisted of adverbs such as "zaheran, taqriban" and the like, which appear before the rightmost internal pre-dependent. The second category includes dependents such as "be estelah, be zaher" and the like, which immediately follow the rightmost internal pre-dependent. The internal post-head dependents also included six different categories on which three important issues were discussed: a) their relative order to the head, flexible dependencies, and the reproducibility or non-reproducibility of the dependents. Finally, I

discussed four types of external post-dependents. The first category of these dependents are direct complements in the form of propositional phrases which their role is fundamentally different from that of the head dependents. The second group of external dependents consists of direct clauses, the role of which is inherently different from that of the nuclear dependents. The third category of external dependents are indirect complements of the head, the details of which are stated in the research text. The fourth category external post-dependents are elements known as ‘appositive’.

#### 4. Conclusion

Besides, classical division of dependents into pre-head and post-head ones, we analyzed them from two more perspectives: direct vs indirect dependents as well as internal vs external ones. Direct dependents function immediately in the structure of the NP whereas indirect ones are linked to the head noun through direct dependents. For instance, ‘number’, as a direct dependent of the head noun, takes a dependent in its turn. Post-head dependent 3 as a dependent of the head noun takes another NP as its dependent, and this process, theoretically, continues unlimitedly. Also, three external pre-head dependents and four external post-head dependents which were discussed in details. It was shown that post-head dependents 1 and 2 as well as indefinite marker ‘yā’ are flexible in terms of their positions relative to the head noun. Finally, it was shown that some of the post-head dependents, including nominals, and ‘rā’ are not repeatable in the structure of the NP whereas post-head dependents such as NPs, PPs and clauses are repeatable. There are three types of repetition: recursive, staking and separable dependents.

**Key words:** head, internal and external dependents, pre-head and post-head dependents, flexibility, repeatability.

